

## بررسی رابطه سوءرفتار عاطفی و ابعاد شخصیتی در دانشجویان زن

### Investigation by Relation Between Affective Abuse and Personality Dimensions of Colledge Women Students

S. A. M. Mousavi

سیدعلی محمد موسوی ✉

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام‌خامنه‌یی قزوین

A. J. Ahmadi

عبدالجواد احمدی

استادیار گروه روان‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام‌خامنه‌یی قزوین

T. Jookar

طاهره جوکار

کارشناس ارشد روان‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام‌خامنه‌یی قزوین

دریافت مقاله: ۹۰/۶/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۹۱/۶/۲۸

پذیرش مقاله: ۹۱/۷/۱۶

#### Abstract

In order to examine the relationship between personality dimensions of affective abuse in women students (single and married) of Imam Khomeini International University in Qazvin, 400 students of this university selected by multistage-random method. In order to measure the personality dimensions and degree of affective abuse of women, scales of

#### چکیده:

به منظور بررسی رابطه ابعاد شخصیتی و سوءاستفاده عاطفی در دانشجویان زن (مجرد و متأهل) دانشگاه بین‌المللی امام‌خامنه‌یی قزوین، ۴۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه به شیوه تصادفی خوشه‌ای - چند مرحله‌ای انتخاب شدند. برای اندازه‌گیری ابعاد شخصیتی و میزان سوءاستفاده عاطفی از زنان، به ترتیب از مقیاس‌های پنج عامل بزرگ شخصیت و سوءاستفاده عاطفی بهره گرفته شد.

✉Corresponding author: Dept of psychology, faculty of social science, Imam Khomeini International university, Qazvin.  
Tel: +982818371637  
Email: [mousavi1957@yahoo.com](mailto:mousavi1957@yahoo.com)

✉نویسنده مسئول: قزوین، دانشگاه بین‌المللی امام‌خامنه‌یی، دانشکده علوم اجتماعی، گروه روان‌شناسی  
تلفن: ۰۲۸۱-۸۳۷۱۶۳۷  
پست الکترونیکی: [mousavi1957@yahoo.com](mailto:mousavi1957@yahoo.com)

five big factor of personality and affective abuse were used respectively. In analysis of data, after doing descriptive steps, and for measuring the relationship of personality dimensions and affective abuse, multiple regression analysis test was used and in order to comparison of single and married students, we used independent t-test. The findings of this study indicated that personality dimensions has relationship with affective abuse. Married students more abused single students and in terms personality dimensions, they are different only in two dimensions of neuroticism and openness against experiences, with single students too, and in order 3 deimensions of personality, there is no difference between them.

**Keywords:** Personality dimensions, affective abuse, colledg women students (single & married).

در تجزیه و تحلیل داده‌ها پس از انجام محاسبه توصیفی داده‌ها، برای سنجش رابطه ابعاد شخصیتی با سوءاستفاده عاطفی از آزمون تحلیل رگرسیون چندمتغیره و به منظور مقایسه دانشجویان مجرد و متأهل از آزمون t مستقل استفاده شد. یافته‌ها نشان دادند که ابعاد شخصیتی با سوءاستفاده عاطفی رابطه دارد. دانشجویان متأهل بیشتر از دانشجویان مجرد سوءاستفاده شده و از نظر ابعاد شخصیتی نیز تنها در دو بعد روان رنجورخویی و انعطاف‌پذیری با دانشجویان مجرد تفاوت داشته، در سه بعد دیگر بین آن‌ها تفاوتی وجود نداشت.

**کلیدواژه‌ها:** ابعاد شخصیتی، سوءاستفاده عاطفی، دانشجویان زن (مجرد و متأهل).

## مقدمه

سوءرفتار و خشونت که به یکی از اشکال فیزیکی، جنسی و عاطفی بروز می‌کند به منظور تسلط و کنترل بر رفتارهای قربانی انجام می‌گیرد. یعنی عامل سوءرفتار، ناشی از سوءاستفاده از قدرت و برخلاف میل قربانی عمل می‌کند (اوهاگان<sup>۱</sup>، ۲۰۰۶). سوءرفتار فیزیکی، مانند کتک کاری، علایم جسمی آشکار دارد و تشخیص آن آسان می‌نماید، اما سوءاستفاده عاطفی و روانی، مانند بی‌اعتنائی، علایم آشکاری ندارد و در کوتاه‌مدت تشخیص داده نمی‌شود. طبعاً سوءرفتار جسمی با سوءرفتارهای روانی نیز همراه است، اما سوءرفتار روانی لزوماً با سوءرفتارهای عینی و فیزیکی همراه نیست.

پیشینه سوءرفتار و سوءاستفاده نشان می‌دهد که همه افراد در همه طبقات اجتماعی و نژادی می‌توانند مورد خشونت واقع شوند. برخلاف این که سوءرفتار به روش‌های مختلف و در هر موقعیت و شرایطی امکان بروز دارد اما سوءرفتار عاطفی شیوع بیشتری را نشان می‌دهد. این نوع از سوءاستفاده در سراسر جهان و ممالک مختلف، شیوع قابل توجه و پیامدهای زیان باری دارد (اوجین‌رین، ۱۹۹۵

و مک‌وایتر، ۱۹۹۹). جریان سوءاستفاده به سوء رفتار مردان از زنان محدود نمی‌شود، این نوع سوءاستفاده دامنه و گستردگی بیشتری دارد. در این خصوص دو سوی رفتار - سوءاستفاده‌کننده و سوءاستفاده‌شونده - زمینه‌ساز می‌شوند. یعنی، هم ویژگی‌های شخصیتی مردان و هم خصوصیات زنان تأثیرگذار شناخته می‌شود. بررسی‌ها نشان می‌دهند که مردان سوءاستفاده‌کننده از خانواده‌هایی بر آمده‌اند که شاهد پرخاشگری‌های مختلف بوده و مشکلاتی هم‌چون تحقیر، توهین، ضرب و شتم، بی‌مهری و تندمزاجی رفتاری را مکرراً تجربه کرده‌اند (کاپلان و سادوک، ۱۳۷۸). پژوهش دیگر، بیکاری و درآمد کم، تحصیلات پایین و وابستگی به مواد مخدر را از جمله ویژگی‌های مردان سوءاستفاده‌کننده می‌داند (پناغی و قهاری و یوسفی، ۱۳۸۵).

اگرچه بررسی ویژگی‌های مردان سوءاستفاده‌کننده حائز اهمیت شناخته می‌شود، اما ویژگی‌های زنان سوءاستفاده‌شده نشان می‌دهد که، بیشتر دامن‌زننده و بسترساز سوءاستفاده مردان از زنان تلقی می‌گردد. به طوری که شیوع سوءاستفاده در سن بزرگسالی، غالباً در جنس زنان اتفاق می‌افتد و همراه با بیان سوءاستفاده عاطفی و روانی، نام زنان نیز به ذهن متبادر می‌شود (ریچاردسون و همکاران، ۲۰۰۲). اما توجه به این نکته ضروری است که همه زنان مورد سوءاستفاده قرار نمی‌گیرند و یا گروهی از زنان، بیشتر امکان سوءاستفاده را فراهم می‌کنند. به عبارت دیگر، گروهی از زنان، زمینه سوءاستفاده را ایجاد می‌کنند یا مطابق خصوصیات و ویژگی‌هایی که از آن برخوردارند، سوءاستفاده را می‌پذیرند.

زنانی که از افشای سوءاستفاده در هراسند یا از اعتماد به نفس پایین برخوردارند، بیشتر در معرض سوءاستفاده قرار دارند (پیکو - آلفونسو، ۲۰۰۵). این موضوع در جامعه ایران نیز به تجربه پژوهشی در آمد و نتایج نشان داد که زنان ایرانی به دلیل اعتماد به نفس پایین، عدم وجود تکیه‌گاه اقتصادی و عاطفی، و بیم از عوارض اجتماعی، زمینه سوءاستفاده از خود را فراهم می‌کنند (پناغی و همکاران، ۱۳۸۵). این دسته از زنان به دلیل عدم جسارت و برخورداری از روحیه سازشگری به شرایط قبل تسلیم می‌شوند و موقعیتی را در تکرار سوءاستفاده فراهم می‌کنند (وانگ، ۲۰۰۸)، از سوی دیگر زنانی که سوءاستفاده را امری عادی قلمداد می‌کنند یا در انتظار سوءاستفاده هستند، این پدیده را می‌پذیرند و امکان سوءاستفاده از آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود. یعنی، گروهی که تحت تأثیر تعلیمات غلط اجتماعی از ویژگی تسلیم و سلطه‌پذیری برخوردارند، بیشتر به سوءاستفاده تسلیم می‌شوند (الزبرگ، ۱۹۹۹). در مجموع، عامل شخصیتی و به‌خصوص وجود ویژگی‌های عدم اعتماد به نفس، سلطه‌پذیری، سازشگری، ترس، تشویش و نگرانی موجبات سوءاستفاده عاطفی را مهیا می‌کنند.

پژوهش حاضر به منظور بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی و سوءاستفاده در گروه دانشجویان مؤنث انجام شد.

## روش

پژوهش به شیوه توصیفی و مبتنی بر مدل همبستگی اجرا شد. متغیرهای سوءاستفاده عاطفی و ابعاد شخصیتی در زنان دانشجوی، بدون هرگونه دستکاری و تغییر، سنجیده و تحلیل شدند.

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

کلیه دانشجویان زن که در سال تحصیلی ۸۹-۱۳۸۸ در دانشگاه بین‌المللی امام‌خمینی قزوین - در مقطع کارشناسی به تحصیل اشتغال داشتند، جمعیت هدف را شامل می‌شد. این جمعیت بالغ بر ۴۴۲۰ نفر برآورد شد.

از جامعه مذکور، به شیوه تصادفی طبقه‌ای چندمرحله، ۴۰۰ نفر انتخاب شد که ۳۰۸ نفر دانشجوی زن مجرد (۷۷ درصد نمونه) و ۹۲ نفر دانشجوی زن متأهل (۲۳ درصد نمونه) را در بر می‌گرفت. این نسبت در جمعیت هدف (۴۴۲۰ نفر) نیز به همین منوال است. از بین ۶ دانشکده، ۳ دانشکده به طور تصادفی انتخاب و از هر دانشکده به نسبت تعداد رشته و دانشجو، چند کلاس درس انتخاب شده که به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.

### ابزارهای پژوهش

**پرسشنامه تجدیدنظر شده پنج عاملی شخصیت (NEO-PI-R):** این پرسشنامه که توسط مک‌کرا و کاستا برای جمعیت بهنجار تهیه و به سال ۱۹۸۵ معرفی شد، در سال ۱۹۹۲ مورد تجدیدنظر قرار گرفت و فرم کوتاه آن در قالب ۶۰ سوال معرفی گردید (کاستا و مک کرا، ۱۹۹۲). این پرسشنامه پنج عامل روان رنجورخویی، برون‌گرایی، انعطاف‌پذیری، توافق و مسئولیت‌پذیری را می‌سنجد. برای هر عامل، ۱۲ سوال اختصاص یافته و تمامی سوال‌ها بر مبنای مقیاس لیکرتی از کاملاً موافقم تا کاملاً مخالفم تنظیم شده است. طبق برآورد تهیه‌کنندگان آزمون، روایی سازه آن ۰/۸۴ و ضریب اعتبار بازآزمایی آن در ۲۰۸ دانشجو با فاصله زمانی ۳ ماه، به ترتیب عوامل مذکور، ۰/۷۹، ۰/۷۹، ۰/۸۰، ۰/۷۵ و ۰/۸ به دست آمد (گروسی فرشی، ۱۳۷۷). روایی همزمان این پرسشنامه با پرسشنامه‌های معتبر قبلی و از جمله پرسشنامه چند وجهی شخصیتی مینه‌سوتا (MMPI) و پرسشنامه شخصیتی کالیفرنیا، مورد تأیید قرار گرفت (همان منبع، فرشی، ۱۳۷۷).

**پرسشنامه سوءاستفاده عاطفی:** این پرسشنامه که توسط نیکارتی به سال ۱۹۸۷ معرفی و به سال ۱۹۹۶ مورد تجدیدنظر قرار گرفت به بررسی و شناخت روابط اجتماعی آزمودنی با فرد غیر هم-جنس (همسر، نامزد و یا دوست) می‌پردازد (جینی نیکارتی، ۲۰۰۴). پرسشنامه بر اساس مقیاس فاصله‌ای نمره‌گذاری شده و دامنه نمرات آن از صفر تا ۳۱۲ گزارش می‌شود. افزایش نمره به دست آمده، حاکی از امکان سوءاستفاده عاطفی بیشتر خواهد بود. آزمودنی به هر سوال، در قالب موقعیت

خاص پاسخ می‌دهد. اعتبار پرسشنامه از طریق محاسبه آلفای کرونباخ ۰/۹۳ به دست آمد و روایی آن از طریق محاسبه روایی محتوا سنجیده شد. پرسشنامه به وسیله ۷ عضو هیأت علمی روان‌پزشکی و روان‌شناسی در دانشگاه‌های معتبر کشور تأیید شد. افزون بر آن، پرسشنامه در یک گروه ۵۹ نفری اجرا شد که همبستگی درونی آن در دو دسته سوالات زوج و فرد ۰/۸۴ به دست آمد.

## روش اجرا

پس از انتخاب کلاس‌های مربوط، هماهنگی لازم با استادان کلاس‌ها انجام شد و بعد از توضیح مختصر درباره پرسشنامه و هدف پژوهش، از دانشجویان خواسته شد که بدون ذکر نام و نام‌خانوادگی به سوالات پرسشنامه پاسخ دهند. پژوهش‌یار حاضر در هر کلاس، پرسشنامه‌های تکمیل شده را کنترل می‌کرد تا در صورت مشاهده نواقص و در صورت امکان توسط آزمودنی (دانشجو) اصلاح گردد.

## یافته‌ها

بر اساس هدف اصلی پژوهش که عبارت بود از سوءرفتار عاطفی با عوامل پنجگانه شخصیتی در دانشجویان زن ارتباط دارد، نتایج پژوهش نشان دادند که در پنج بعد شخصیتی، بیشترین میانگین به مسئولیت‌پذیری (با وجدان بودن) یا مقدار ۴۴/۲ و کمترین میانگین به روان رنجورخویی (۳۵/۵) اختصاص داشت. روان رنجورخویی از بیشترین مقدار انحراف معیار (۷/۷) و انعطاف‌پذیری (پذیرا بودن) از کمترین مقدار انحراف معیار (۴/۸) برخوردار بود. به عبارت دیگر دامنه کمیت روان رنجورخویی در دانشجویان زیاد است و از این نظر دانشجویان زن با یکدیگر تفاوت زیادی دارند، اما از نظر انعطاف‌پذیری، بیشتر به هم شبیه هستند یا کمتر اختلاف دارند. نتیجه دیگر این که دانشجویان زن به ترتیب از ابعاد شخصیتی مسئولیت‌پذیری، سازگاری، انعطاف‌پذیری، برون‌گرایی و روان رنجورخویی برخوردار هستند. طبعاً بررسی این موضوع به طور مستقل و به‌خصوص از طریق جستجو و پژوهش در روند تحولی این ابعاد، ارزشمند و مفید خواهد بود.

جدول ۱: ضریب همبستگی بین متغیرهای پیش‌بین (شخصیت)

و ملاک (سوءاستفاده عاطفی)

۰/۳۱**	روان رنجورخویی
-۰/۰۵	برون‌گرایی
-۰/۱۰*	انعطاف‌پذیری
-۰/۰۱	سازگاری
-۰/۱۳**	مسئولیت‌پذیری

\* $\alpha < 0.05$  \*\* $\alpha < 0.01$

مندرجات جدول شماره ۱ فرضیه پژوهش مبنی بر وجود رابطه متغیر پیش‌بین (عوامل شخصیتی) با متغیر ملاک (سوءاستفاده عاطفی) تأیید شد. نتیجه نشان می‌دهد که همبستگی مستقیم بین روان رنجورخویی و سوءاستفاده عاطفی در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنادار است. بین مسئولیت‌پذیری و سوءاستفاده عاطفی نیز رابطه معنادار با جهت منفی در سطح ۹۹ درصد بدست آمد و بین انعطاف‌پذیری و سوءاستفاده عاطفی، رابطه معنادار در سطح ۹۵ درصد اما بین انعطاف‌پذیری و سوءاستفاده عاطفی، رابطه معنادار در سطح ۹۵ درصد گزارش می‌شود و این رابطه هم، جهت منفی دارد. ابعاد برون‌گرایی و سازگاری با سوءاستفاده عاطفی رابطه معنادار نشان نداد (جدول شماره ۱). اگرچه مطالعه حاضر منطبق بر الگوی همبستگی انجام یافت اما از طریق محاسبه رگرسیون تفکیک شده (جدول شماره ۲) پیش‌بینی سوءاستفاده از طریق ابعاد شخصیتی محاسبه شد.

جدول ۲: ضرایب رگرسیون تفکیک شده ابعاد شخصیتی

بر سوءاستفاده عاطفی

متغیرهای پیش‌بینی‌کننده	ضریب b	ضریب بنا	مقدار t	سطح معناداری
روان رنجورخویی	۱/۹۲	۰/۳۳	۶/۱۶	۰/۰۱
برون‌گرایی	۰/۶۵	۰/۰۹	۱/۶۶	۰/۰۹
انعطاف‌پذیری	-۰/۵۹	-۰/۰۶	۱/۲۵	۰/۲۰
سازگاری	۰/۲۶	۰/۰۴	۰/۸۱	۰/۴۱
مسئولیت‌پذیری	-۰/۳۶	۰/۰۵	۰/۹۹	۰/۳۲

\*\*x < 0/01

مندرجات جدول شماره ۲ نشان می‌دهد که از بین ابعاد پنج‌گانه شخصیت، بعد روان رنجورخویی با ضریب بتای برابر با ۰/۳۳، در سطح ۹۹ درصد اطمینان می‌تواند سوءاستفاده عاطفی را پیش‌بینی کند. سایر ابعاد شخصیتی تأثیر معناداری در پیش‌بینی میزان سوءاستفاده عاطفی ندارند، قاعدتاً ارتباط زناشویی که در چارچوب ضوابط عرفی، شرعی و قانونی و بر اساس توافق و رضایت شکل می‌گیرد از نوع ارتباط زنان مجرد با مردان متفاوت است. اما در قالب یک یافته جنبی، میزان سوءاستفاده عاطفی در دو گروه زنان متأهل و مجرد مقایسه شد.

جدول ۳: میانگین، انحراف معیار و مقدار t برای مقایسه

سوءاستفاده عاطفی در دو گروه متأهل و مجرد

گروه	میانگین	انحراف معیار	تفاوت میانگین‌ها	درجه آزادی	مقدار t	سطح معناداری
مجرد	۶۳	۳۳/۱۲	۷۸/۴۸	۱۰۷	۷/۳۰	۰/۰۱
متأهل	۱۱۱/۷	۶۱/۴۳				

نتایج جدول شماره ۳ نشان می‌دهد میانگین و انحراف معیار سوءاستفاده عاطفی در گروه زنان متأهل بیشتر است. بدین معنا که زنان متأهل، بیشتر سوءاستفاده عاطفی را تجربه می‌کنند. در میزان سوءاستفاده عاطفی بین زنان متأهل، تفاوت قابل ملاحظه‌ای وجود دارد. نتیجه بررسی نشان می‌دهد که بین دانشجویان متأهل و مجرد از نظر میزان سوءاستفاده عاطفی تفاوت وجود دارد و این تفاوت در سطح ۹۹ درصد اطمینان معنا دارد.

### بحث

پژوهش حاضر به منظور تعیین سهم شخصیت در سوءاستفاده عاطفی انجام شد. نتیجه نشان داد که روان رنجورخویی، انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری با سوءاستفاده عاطفی رابطه دارد. با این توصیف که رابطه روان رنجورخویی و سوءاستفاده عاطفی از نوع همبستگی مثبت، اما انعطاف‌پذیری و مسئولیت‌پذیری با سوءاستفاده عاطفی از رابطه همبستگی منفی برخوردار است.

نتایج پژوهش‌های مطرح شده توسط پروین و جان (۲۰۰۱)، مک‌کرا و کاستا (۱۹۸۷)، گروسی فرشی (۱۳۸۵) و حق‌شناس (۱۳۸۵) حاکی از آن است که افراد روان رنجورخو دارای صفاتی مانند افسردگی، دمدمی، عصبی، هیجانی، خجالتی و عزت نفس پایین هستند و در پژوهش حاضر نیز نتایج نشان داد که چنین صفاتی زمینه سوءاستفاده بیشتر از زنان را فراهم می‌کند و به‌خصوص زنانی که مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند بیشتر از عزت نفس پایین رنج می‌برند که این یافته نیز با نتایج بررسی‌های پناغی و همکاران (۱۳۸۵) و عظیمی مروی (۱۳۸۸) مطابقت دارد. از طرفی وجود اضطراب در افراد روان رنجور مقاومت آن‌ها را کاهش می‌دهد که می‌تواند موجبات سوءاستفاده عاطفی بیشتری را در آن‌ها فراهم کند.

نتیجه پژوهش حاضر نشان داد که زنان برخوردار از ویژگی انعطاف‌پذیری، کمتر امکان سوءاستفاده عاطفی را فراهم می‌آورند زیرا به لحاظ هوشمندی، قوه تخیل و تحلیل به حدی هستند که تسلیم شرایط نامناسب و سلطه‌پذیر نشوند. مطابق نظریه آیسنک<sup>۱۳</sup> (۱۹۸۲)، افراد برون‌گرا، از صفاتی مانند اجتماعی بودن، سرزندگی، و تحریک‌پذیری برخوردار هستند. افرادی که از این ویژگی‌ها بهره می‌برند، کمتر مورد سوءاستفاده عاطفی قرار می‌گیرند. به نظر می‌رسد سازگاری و برون‌گرایی فرد را به سوی جنبه‌های مثبت اجتماعی و سلامت روانی سوق می‌دهد که زمینه‌های سوءاستفاده عاطفی را کاهش می‌دهند. اگرچه در تحقیق حاضر هیچ‌کدام از دو بعد برون‌گرایی و توافق، با سوءاستفاده عاطفی رابطه‌ای نداشتند، اما این موضوع می‌تواند در پژوهش‌های بعدی سنجیده شود.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد افراد با وجدان یا مسئولیت‌پذیر، به‌دلیل شایستگی، قابلیت اعتماد، برخورداری از اعتماد به نفس کافی و اهداف مشخص، و با ثبات بودن، اجازه سوءاستفاده را به فرد عامل یا سوءاستفاده کننده نمی‌دهند. چنان‌چه فرد مسئولیت‌پذیر در شرایط سوءاستفاده قرار گیرد،

با تدبیر و درایت به حل آن می‌پردازد و سعی در رفع یا مقابله با آن خواهد داشت، یعنی در این موارد، منفعل و سازشگر نخواهد بود. به همین ترتیب افراد نوع دوست، واجد هم‌دلی، محبوب و دوست‌داشتنی که از بعد شخصیتی انعطاف‌پذیری یا پذیرا بودن تجارب جدید بهره‌مند هستند، اگرچه اهل مخالفت و تضادورزی با دیگران نیستند اما زمینه را برای سوءاستفاده هم فراهم نمی‌کنند.

یافته‌های جانبی پژوهش نشان داد افزایش میزان سوءاستفاده عاطفی در زنان متأهل نسبت به زنان مجرد است. بدین معنا که در نوع رابطه زناشویی که ارتباط مداوم برقرار است، سوءاستفاده عاطفی نیز امکان تکرار و افزایش را نشان می‌دهد. زنان متأهل به دلیل ترس از طلاق و نگرش منفی جامعه نسبت به زنان مطلقه، رنج سوءاستفاده عاطفی را بر طلاق ترجیح می‌دهند و زمینه را برای تکرار آن فراهم می‌آورند (پناغی و همکاران، ۱۳۸۵). این‌گونه است که زنان متأهل، در ارتباط بیشتر با همسری که از قدرت، سوءاستفاده می‌کند، دائم در معرض تکرار خشونت و سوءاستفاده‌های عاطفی قرار می‌گیرند (پیکو - آلفونسو، ۲۰۰۵). این گروه از زنان که علی‌رغم خشونت و تجربه مکرر سوءاستفاده عاطفی، از طرح یا پیگیری آن خودداری می‌کنند، تحت تأثیر شیوه‌های غلط اجتماعی آموخته‌اند که تحمل و سازش داشته باشند (وانگ و همکاران، ۲۰۰۸). به همین دلایل است که در گروه دانشجویان متأهل در تحقیق حاضر، میزان سوءاستفاده عاطفی بیشتر از دانشجویان مجرد گزارش می‌شود. زیرا دانشجوی مجرد هنوز مستقل است و به طور پیوسته و اجباراً در ارتباط با جنس مخالف قرار ندارد. این موضوع حائز اهمیت است که این گروه قبل از ورود به زندگی مشترک و ایجاد ارتباط دائمی، به رفتارها و اعمال سوءاستفاده‌گرانه آگاهی داشته باشند و شیوه‌های مقابله با آن را بیاموزند. به نظر می‌رسد عامل فرهنگی و اجتماعی در افزایش سوءاستفاده عاطفی از زنان متأهل تأثیرگذار باشد. زیرا اغلب مردان از زنان خود، تبعیت بی‌قید و شرط و تسلیم محض را انتظار دارند و خشونت و پرخاش را حق طبیعی خود می‌دانند. این نکته در پژوهش الزبرگ (۱۹۹۹) در نیکاراگوئه نیز آمده است که خشونت مردان برای زنان، قابل انتظار و عادی تلقی می‌گردد و زنان از افشای این‌گونه رفتارها به دلیل شرم و تبعات اجتماعی از ابراز خشونت همسر، پرهیز می‌کنند. مطالعات مربوط به بررسی رابطه عوامل شخصیتی با سوءاستفاده عاطفی، بستر مناسب برای توصیه‌ها و تأکیدهای تربیتی و تحولی را از یک‌سو و زمینه مداخله در شیوه‌ها و مهارت‌های مقابله‌ای را از سوی دیگر فراهم می‌کند تا از این طریق، سوءاستفاده عاطفی نیز کاهش بیابد.

### پی‌نوشت‌ها

1. O'Hagan
2. Kaplan, H.
3. Saddock, P.



## منابع

- پروین، ل. و جان، ا. (۱۳۸۷). شخصیت: نظریه و پژوهش (ترجمه م. ج. جوادی و پ. کدیور). تهران: انتشارات آبیژه (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۲۰۰۱).
- پناغی، ل.، قهاری، ش. و یوسفی، ح. (۱۳۸۵). خشونت علیه همسر و عوامل مؤثر بر آن از دیدگاه قربانیان این پدیده. *مجله خانواده‌پژوهی*، ۷، ۲۵۷-۲۶۷.
- حق شناس، ح. (۱۳۸۵). طرح پنج عاملی ویژگی‌های شخصیت. شیراز: دانشگاه علوم پزشکی شیراز.
- عظیمی، م. (۱۳۸۸). تحلیل روان‌شناسی همسرآزاری. *مجله خانواده و سلامت*، ۱۷۳۴۴. ص ۸.
- کاپلان، ه. و سادوک، پ. (۱۳۷۸). خلاصه روان‌پزشکی (ترجمه ج. رفیعی و ف. رضاعی). تهران: انتشارات ارجمند (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۹۸).
- گروسی‌فرشی، م. ت. (۱۳۷۷). *هنجاریابی پرسشنامه پنج عاملی شخصیت*. پایان‌نامه دکتری. تهران: دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- گروسی‌فرشی، م. ت. (۱۳۸۵). بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شخصیتی و احساس شادکامی در بین دانشجویان دانشگاه تبریز. *فصلنامه علمی - پژوهشی روان‌شناسی دانشگاه تبریز*، ۱، صص ۱۴۳-۱۸۵.
- مک‌کرا، ر. و کاستا، پ. (۱۳۸۱). *شخصیت در بزرگسالی* (ترجمه م. ت. گروسی‌فرشی و ف. محمدی). تبریز: نشر جامعه پژوه (تاریخ انتشار به زبان اصلی: ۱۹۸۷).

- Costa, P. T., & McCrae, R. R. (1992). Reply to Eysenck. *Journal of personality and Individual differences*, 13, 861-865.
- Elsberg, M. (1999). Domestic violence and emotional distress among Nicaraguan. *Journal of American psychologist*, 54(1), 30-36
- Eysenck, H. J. (1982). Stress, disease and personality: The inoculation affect. In Cooper, C. L. (Ed.), *Stress research* (121-131). NJ: John Willey & sons, Inc.
- Mcwhiter, P. T. (1999). Domestic violence in Chile. *Journal of American psychologist*, 54(1), 37-39
- NiCarthy, G. (2004). *Getting Free: You can end abuse and take back your life* (4<sup>th</sup> ed.). Emeryville, CA: seal press
- Odjinrin, I. (1995). Wife battering in Nigeria. *International Journal of Gynaecology Obstet*, 41(2), 159-64
- Pico - Alfonso, M. A. (2005). Psychological intimate partner violence: The major predictor of post-traumatic stress disorder in abused women. *Journal of Neuroscience and Behavioral Review*, 29, 181-193.
- Richardson, J. O. (2002). Identifying domestic violence: Cross sectional study in primary care. *British medical Journal*, feb2, 324:274.
- Wong, J. J. (2008). Abused women's views on disclosure of partner abuse to the family doctor and its role in handling the abuse situation. *Journal of Patient Education and Counseling*, 70, 386-394.